

جلوه‌های مدیریت در سیمای نماز

نوشته محمدرضا آهنچیان

چکیده

اگر به احکام الهی از منظرهای گوناگون بنگریم، نتایجی حاصل می‌آید که چه بسا کشف حقیقت عینی آن نباشد، اما چنین امری واجد این حُسن خواهد بود که از دریچهٔ چشم بشری، انبساط بیشتری در فلسفهٔ آن حکم ایجاد می‌کند. در این مقاله تلاش شده است تا نماز، از چشم‌انداز مدیریتی مورد بررسی واقع شود. به این منظور کارکردهای پنج‌گانهٔ مدیریت، مبنای این مطالعه قرار گرفته است تا خاطر نشان سازد که فریضهٔ نماز در جوار هدفهای متعالی خود، می‌تواند به بشر تمرین مدیریت نیز بدهد.

مقدمه

عقاید خود که عمدتاً «مبتنی بر وحی و کلام استنباط شده نبی از وحی استوار بوده است، و چه در سیرهٔ بزرگان مذهب، به این امر توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. پیامبران موفق شده‌اند که عالیترین نمودهای رهبری را در طول تاریخ تمدن بشری به نمایش بگذارند. هرچند که سهم آنان در این کار یکسان نبوده است.

در دین مبین اسلام، از جمله بارزترین نشانه‌های پندار و کردار رهبری، در حدیث و سیرهٔ رسول گرامی اسلام (ص) و سلالهٔ پاک وی (ع) تجسم یافته است. به ویژه در منطق شیعه که امامت و ولایت جزء اصول مسلم اعتقادی محسوب می‌شود، جایگاه رهبری رفعت بیشتری می‌یابد.

در مجموعه اصول و احکام دین مبین، تا حدّ قابلیت درک ذهنی بشر، همه جا آثار ژرف‌نگری و همه‌سونگری مشاهده می‌شود. لذا این مقاله که به قصد بررسی جلوه‌های مدیریت در سیمای نماز نگارش یافته، شأن نماز را فراتر از آن می‌داند که متأثر از تراوشهای اندیشهٔ بشری

مدیریت به معنی گرداندن و سرپرستی کردن است^(۱)، اما الزاماً اداره کردن دیگران نیست، بلکه اداره کردن خود و انجام امور مربوط به خویشتن است، اعم از اینکه ابعاد مادی و جسمی دارند یا دارای ابعاد روحانی و غیرجسمی هستند.

اکنون قرن‌هاست که بشر با بهره‌گیری از توانمندیهای شناختی خود به مفهوم «مدیریت» اندیشیده و با تأمل در آن، زندگی خود را به کمک این ابزار خردپذیر، بهبود بخشیده است. در عین همین کاربستهای مدیریت در زندگی بوده که بشر به فراست دریافته است که به ویژه در عرصهٔ زندگی اجتماعی اش ملزم به پذیرش یک نظام رهبری و مدیریت است. نکتهٔ حایز اهمیت این است که، مساعی نظری و کوششهای عملی انسان، در این مقوله، نشانهٔ تحقق کامل آن به حساب نمی‌آید و چه بسا دانسته‌های موجود در این باره بسیار بیشتر از نادانسته‌های محتمل باشد.

در این میان ادیان بزرگ الهی نیز چه در قالب اصول

انسان «نماز را به نیت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا می آورد.»^(۳) از نکات بسیار مهم مرتبط با این مسئله که در احکام نیت مشاهده می شود می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در قالب هر برنامه دو نوع هدف وجود دارد: هدفهای لفظی که همان هدفهای اولیه برای طراحی برنامه است، و هدفهای واقعی که برنامه در عمل بدان سو کشیده می شود.^(۴) آنچه که عاملان اجرا بدان مبادرت می ورزند، هدفهای واقعی است که چه بسا با هدفهای لفظی متفاوت باشد. این تفاوت در بسیاری از مواقع، نگرانیهایی برای مدیران و برنامه ریزان به وجود می آورد. اما در «نیت»، تفاوتی بین هدفهای لفظی و واقعی نیست، زیرا «لازم نیست نیت را به زبان بگویند یا حتی از قلب خود بگذرانند». بنابراین در «نیت» این دو هدف در یکدیگر به وحدت رسیده اند و در یک قالب ظهور می یابند.

۲- موفقیت یک برنامه در دستیابی به هدفهای آن است، که این امر می تواند با توجه مداوم و مستمر به هدف در مرحله اجرا، تضمین شود. درباره «نیت» می دانیم که «انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد» و باید توجه داشته باشد که چه می کند و در چه مرحله ای از عملیات قرار دارد.

۳- در طول اجرای برنامه نباید از هدف اصلی عدول کرد، یا آن را به فراموشی سپرد و یا هدف دیگری را به جای آن نشانند، به همین علت در نماز، نیت فقط «انجام امر خداوند عالم است، پس کسی که ریا کند، یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است.»

دوم - پیش بینی و زمان بندی. منظور از پیش بینی استفاده از فنونی است که نحوه و توالی به انجام رسیدن اقدامات بعدی را روشن می سازد. نماز به عنوان یک برنامه بلندمدت در زندگی مؤمن، دربر دارنده دقیقترین و طولانیترین پیش بینیهاست، به نحوی که هیچ برنامه ای

باشد، تا آنجا که پاره ای از علما معتقدند علم بشر، از تبیین تمام مبانی و فلسفه وجودی احکام قاصر است و به احکام به عنوان تکلیف عبادی محض می نگرند. درعین حال، از دریچه مدیریتی که به نماز توجه شود، به نظر می آید که خداوند متعال در این فریضه به نمازگزاران تمرین مدیریت می دهد.

کارکردهای مدیریتی نماز

مدیریت مجموعه ای از فعالیتهای منظم و مرتبط به یکدیگر را شامل می شود که با تلفیق منابع انسانی و مادی، خواهان دسترسی به هدفهایی خاص، و به بهترین نحو ممکن است. در متداولترین شرح وظیفه های مدیر که هنری فایول ارائه کرده، و پنج کارکرد مهم برای آن فرض شده است: برنامه ریزی - سازماندهی، هماهنگی، هدایت و انگیزش و نظارت که در اینجا ارتباط هر یک از آنها با نماز مورد بحث قرار می گیرد.

برنامه ریزی

به ساده ترین عبارت، برنامه ریزی عبارت است از پیش بینی اقداماتی که در آینده صورت می پذیرد. به عبارت دیگر برنامه ریزی یعنی «فراگرد تعیین و تعریف اهداف سازمان و تدارک دقیق و پیشاپیش اقدامات و وسایلی که تحقق اهداف را میسر می سازد.»^(۲) در هر برنامه توجه به دو نکته حایز اهمیت است، اول: دقت در هدف گذاری، دوم: پیش بینی دقیق آینده و زمان بندی طرح.

نخست - هدف گذاری. در نماز تعیین هدف به دقیقترین شکل آن صورت می پذیرد. تجلی این امر را باید در یکی از پنج رکن اصلی نماز یعنی «نیت» مشاهده کرد.

در ضرورت هدف برای برنامه، گفته می شود که وجود آن از تشتت آراء، هرج و مرج عملیات، و بی ملاکی در قضاوت جلوگیری می کند.

تبعیت شده است. در سوره نساء، آیه ۱۰۳ می‌خوانیم: **إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا** یعنی همانا نماز را برای مؤمنان فرمانی واجب و زمانی معین است. بر همین اساس دقیق‌ترین زمان‌بندیها در مورد وقت نماز مشاهده می‌شود. زمان دقیق انجام نمازهای یومیه به صورت زیر تعیین شده است:

- **نماز صبح**. هر صبح، "از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول می‌گویند، موقعی که آن سپیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است".

- **نماز ظهر**. هرگاه میزان سایه شیئی مانند چوب به حداقل خود برسد، چنانکه بعد از آن سایه به طرف مشرق برگردد، ظهر شرعی و هنگام نماز ظهر است.

- **نماز عصر**. "وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر وقت به مغرب مانده باشد".

- **نماز مغرب**. "مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود... وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا موقعی که از مغرب به اندازه خواندن ۳ رکعت نماز بگذرد".

- **نماز عشا**. "وقت مخصوص عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد و «نصف شب» نقطه‌میانی از اول غروب تا اذان صبح" است.

ب - **انعطاف** - همواره امکان اجرای برنامه در زمان دقیق آن وجود ندارد. لذا ضرورت واقع‌بینی حکم می‌کند که برنامه‌گذار با در نظر گرفتن احتمالات، انعطاف زمانی لازم را برای اجرا در نظر بگیرد. این انعطاف با بهترین شرایط در مورد نماز و از جمله نمازهای یومیه مشاهده می‌گردد. پیوستار زیر این انعطاف را نشان می‌دهد.

مشاهده نشده و نمی‌شود که مانند نماز تا این احد مداومت داشته و ضمناً دقیق و حساب شده باشد. شاید به غلط تصور شود که چنین برنامه‌ای تکراری است، در حالی که در اجرای برنامه تغییرات زیادی به وقوع می‌پیوندد که برخی از آنها عبارت‌انداز:

۱- نمازهای واجب تنها نمازهای یومیه را شامل نمی‌شود، بلکه نماز آیات، نماز میت، و نمازهای دیگری که هر یک به شکل خاصی ادا می‌گردد را نیز دربر می‌گیرد. علاوه بر این نمازهای مستحب هر کدام شرایط خاص خود را دارد.

۲- نماز در شرایط خاص مانند مسافرت، در حال بیماری، در حال جهاد، در مکانهای مختلف و ... تفاوتیابی می‌یابد که یکنواختی برنامه را از میان می‌برد.

۳- مهمتر از همه اینکه نماز یک برنامه روحانی و عبادی است و کاملاً با برنامه‌های عادی روزمره متفاوت است. بنابراین ممکن است کیفیت و وضع روانی انسان در به جای آوردن هر نماز، با نماز قبلی و بعدی متفاوت باشد درباره زمان‌بندی در نماز، باید به مسئله مدیریت زمان یا کنترل همگام زمان و برنامه توجه کرد. این برنامه مداوم عبادت و خودسازی، زمان‌بندی بسیار دقیقی دارد. به ویژه در خصوص نمازهای یومیه این امر مشهودتر است. نماز در پنج وقت مشخص و با طرحی دقیق به اجرا درمی‌آید. زمان‌بندی‌های کلیه برنامه‌ها معمولاً به‌طور قطعی تعیین نمی‌شود، زیرا در تنظیم اقدامات برای زمان آینده همواره محلی برای دخالت موانع و متغیرهای پیش‌بینی نشده باقی می‌ماند.

در زمان‌بندی نماز سه ویژگی زیر ملاحظه می‌شود:

الف - دقت - اوقات نماز با معیار قرار دادن ساعت که یک حکم قراردادی میان انسانهاست، تنظیم نشده است، بلکه در تنظیم آن از قوانین عالم خلقت و گردش لیل و نهار

اذان صبح	طلوع خورشید	ظهر	مغرب	نیمه شب
← ۱		۲	۳	←
۱- موقع نماز صبح			۲- موقع نماز ظهر و عصر	
		۳- موقع نماز مغرب و عشا		

می شود، رمزی که نیروهای خودی آن را می شناسند و به سرعت آن را کشف می کنند. این رمز «اذان» نامیده می شود. بانک الله اکبر مؤذن برای مؤمنان حاوی پیامهای خاصی است، اما مهمترین پیام آن این است که: مجدداً زمان انجام تعهدات فرا رسیده است پس

باید برای وفای به عهد شتاب شود. به علاوه این پیام برای اطمینان از وجود آمادگی مؤمنان لازم است: یعنی

کسانی که آماده نیستند، به سرعت خود را آماده کنند.^۱ انعطاف زمان که قبلاً مطرح شد این فرصت را در اختیار آنها قرار می دهد. البته در آغاز نتهاز «تکبیرة الاحرام» نوعی پاسخ از سوی مؤمنان است؛ یعنی پیام را دریافت و برنامه اصلی را آغاز کردم.

۲- **تأمین و تدارک**، برای اجرای هر برنامه، نیروها باید به نحو مطلوب مجهز و مهیا شوند. نماز یک برنامه روحانی است. لذا تجهیز آن هم باید از سنخ خود آن باشد، «وضو، تجهیز از طریق تطهیر است. یعنی اینکه فرد هرگونه ناپاکی و سیاهی را می زداید و اکنون با طهارت و مجهز، اجرای برنامه اصلی را برعهده می گیرد.

۳- **نظم و ترتیب**، در واقع هر یک از برنامه های نماز خود یک فرایند به حساب می آید به این معنی که مراحل بر آن مترتب است.

این ترتیب به دقت رعایت می شود. وضو یک برنامه عملیاتی است، یعنی فرد درحین انجام آن موظف به ادای مجموعه ای از افعال عینی است.^(۷) آنگاه که هنگام ادای نماز فرا می رسد، علاوه بر عملیات عینی، عملیات ذهنی هم مطرح می شود، برای مثال در حالت قیام فرد در وضعیت ثبات عینی است، اما در همان حال به ترتیب خاصی سوره ها را قرائت می کند. ترتیب، یکی از واجبات نماز است. به نحوی که رعایت نکردن آن، مجموع برنامه را به ابطال می کشد. این امر موجب شده است که نظم خاصی بر انجام برنامه

به این ترتیب برای کسانی که معذوریت دارند، وقت نماز صبح از فجر دوم تا طلوع آفتاب، نماز ظهر از نیمروز تا غروب آفتاب، نماز عصر از نماز ظهر تا غروب آفتاب، نماز مغرب، از مغرب تا نیمه شب و نماز عشا پس از نماز مغرب تا نیمه شب است.

علاوه بر این، امکان اقامه نماز قضا برای کسی که به علل موجه موفق به انجام بموقع آن نشده است، وجود دارد.

ج - **اولویت بندی**. علی رغم ضرورت وجود انعطاف در زمان که به منظور رعایت احتمالات صورت می گیرد، برای انجام برنامه، اولویت بندی وجود دارد. برای مثال، **وقت مخصوص نماز**، نوعی اولویت زمانی به حساب می آید. در کلام معصوم نیز به این امر تأکید شده، چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: «محبوبترین و برترین کارها پیش خدا نماز اول وقت است»^(۵) و حضرت رضا علیه السلام نیز فرموده اند: «هرگز نماز را از اول وقت آن به تأخیر مینداز»^(۶) و در احکام فقهی نیز آمده است که، «مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و... هرچه به اول وقت نزدیکتر شود بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند».

اجرای برنامه

هر برنامه طراحی می شود که به مرحله اجرا درآید. در برنامه ریزی های دقیق تا آنجا که به اهداف و اصول برنامه لطمه ای وارد نشود تسهیلاتی در نظر گرفته می شود که مجریان قادر به انجام آن و تحقق هدفها باشند. برنامه بسیار خوبی که لباس اجرا به تن نکند، فاقد ارزش و اعتبار واقعی خواهد بود. از این دیدگاه چند نکته قابل بررسی است:

۱- **آغاز عملیات**، عملیات در نماز با یک رمز شروع

زیادتری در پی داشته باشد. از جمله «اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند از دسترس خارج و یا گم شود و چیزی دیگری که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت دارد، باید نماز را بشکند. همچنین هنگامی که وقت وسعت دارد و امکان پرداخت دین به شکل دیگر وجود ندارد، و یا وقتی که انسانی برای نجات جانش به کمک او نیاز دارد می تواند نمازش را بشکند.

۷- امکان اصلاح برنامه، در برخی مواقع، امکان اصلاح

برنامه وجود دارد. یعنی هنوز انحراف عملیات از اصول و قواعد، آن قدر نبوده است که به بنیان آن آسیب برساند. لذا به دلایل مختلف و مهمتر از همه، پرهیز از تکرار بی دلیل عملیات و حفظ حقوق مربوط به زمان و توان فرد، ضرورتی برای ابطال آن وجود ندارد.

در این خصوص دو وضعیت خاص به چشم می خورد، اول، همچنان که برنامه در حال اجراست، امکان اصلاح آن وجود دارد... مانند «وقتی که لباس نمازگذار در بین نماز نجس شود... در صورتی که بیرون آوردن یا آب کشیدن آن، نماز را به هم نمی زند... می تواند نماز را ادامه بدهد و صحیح است». یا اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و بجا آورد دوم بعضاً وقتی که برنامه به پایان رسیده است نیز امکان اصلاح وجود دارد. یعنی با اصلاحیه‌ای که به عمل می آید، برنامه‌ای را که به طور ناقص اجرا شده است قابل قبول می گرداند. اصلاحیه‌های نماز بسته به نوع نقص ایجاد شده عبارت‌اند از «سجده سهو» و «نماز احتیاط».

۸- دقت در اجرا، چنانچه در قالب برنامه همه چیزها به

خوبی پیش‌بینی و طراحی شده باشد، اما عوامل اجرایی با بی‌حوصلگی و کسالت با آن برخورد کنند، به احتمال زیاد، نتیجه مطلوب عاید نمی شود. به همین دلیل، مکرر برگرامی داشت نماز و برخورد نشاط آمیز با

مستولی باشد، نظمی که در هیچ شرایطی نباید خدشه پذیرد.

۴- محل اجرای برنامه، یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده سازمانها، مکان است. توجه نماز به مکان، نشاندهنده این امر است که در هر جایی نمی توان به اقامه نماز پرداخت. نماز در برخی مکانها باطل است، مثلاً «ملک غصبی، یا روی خرمن گندم و جو. در مقابل توصیه می شود که نماز در مساجد و حرم ائمه اطهار (ع) ادا شود.

۵- قطعیت برنامه، به همان اندازه که از انعطاف در قالب برنامه دفاع می شود، از قطعیت آن نیز حمایت می گردد. در واقع انعطاف یا عدم انعطاف کاملاً بستگی به موضوع آن دارد. به این معنی که در پاره‌ای موارد که ارفاق و انعطاف به اصل و اساس برنامه لطمه می زند یا عوارض بعدی ایجاد می کند، رد می شود، و بالعکس جایی که نشان دادن مقداری نرمش ارکان را سست نمی کند و در عوض مزایایی مانند افزایش انطباق پذیری بعدی را به وجود می آورد، انعطاف ضرورت می یابد. در برنامه نماز داریم که «هرگاه فرد چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند، اگرچه یک حرف باشد، نماز باطل است».

۶- قطع برنامه، هر یک از مجریان برنامه باید مطابق با دستورها عمل کند تا احتمال دستیابی به اهداف افزایش یابد، اما بعضاً به دلیلی غیرمنتظره، اجرای برنامه دچار اختلال می شود. به همین دلیل در نماز امکان شکستن آن وجود دارد. البته برای جلوگیری از بی‌مبالاتی برخی مجریان، قواعد خاصی بدین منظور وضع شده است.

این امر باعث می شود که مؤمن در صورت باطل شدن نماز، دچار فشارهای روحی نشود، زیرا به دلایل شرعی این عمل مجاز بوده است، در این صورت فرد می داند که ادامه برنامه به شکل غلط آن می تواند لطمات

می پذیرد تا کار به کاردان سپرده شود.

از جمله مصادیق این امر در خصوص نماز عبارت است از:
الف - ادای فریضه نماز بر همه انسانها واجب نیست مهمتر و شاخصتر از همه بر کسانی که به سن تکلیف نرسیده‌اند.

ب - در گزینش امام جماعت، شرایطی وجود دارد، مانند «عدالت»، که در مرحله انتخاب باید مورد توجه قرار گیرد.

ج - در نمازهای جماعت، وظایف و مسئولیتهای امام و مأموم که بایکدیگر تفاوت دارد، نمونه‌ای از تقسیم کار است.

د - از بین فرزندان مسلم متوفی، «پسر ارشد» وی، موظف به قضای نماز پدر است.

۲- **وحدت فرمان**، در مدیریت وحدت فرمان یعنی اینکه زیردستان فقط از یک نفر مقام مافوق دستور بپذیرند. در خصوص نماز، وحدت فرمان دو معنی پیدا می‌کند که معنای دوم آن وابسته به و تابعی از معنای اول آن است.

معنی اول: نماز فرمان خداوند عالم است. مسلمین با ادای این فریضه، فرمان‌پذیری خود را اعلام می‌کنند. آنها گواهی می‌دهند که بنده او هستند، فقط او را می‌پرستند و فقط از او مدد می‌جویند، آنها روزی چند بار در قالب نماز، بندگی و تبعیت خود را اعلام می‌کنند.

معنی دوم: در نماز جماعت است. وقتی که مأمومین به امام اقتداء می‌کنند. البته همچنان که گفته شد این امر خود نمایشی از پذیرش بندگی خدای متعال است.

۳- **وحدت هدایت**، وحدت هدایت در مدیریت، به معنی متابعت نیروها از یک هدف، یا هدایت فعالیتها به سوی یک مقصد است. در این خصوص نیز وحدت هدایت دو معنی پیدا می‌کند:

معنی اول: خداوند بهترین هدایت‌کنندگان است، نماز خود وسیله‌ای برای هدایت به سوی الله و تقرب به اوست.

آن تأکید شده است، پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک بشمارد سزاوار عذاب آخرت است.»^(۸) «پس انسان باید مراقب باشد که با عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع، خشوع و وقار باشد...»

۹- **اقدامات تکمیلی**، شاید کلیه هدفهای پیش‌بینی شده، با اجرای عملیات به نتیجه نرسیده باشد، یا کیفیت انجام آن حایز مطلوبیت کافی نباشد. لذا برای اطمینان خاطر از تحقق کامل هدفها و یا ارتقای کیفیت اجرا، انجام پاره‌ای اقدامات تکمیلی قابل توجه است. بار دیگر خاطر نشان می‌سازد که نماز برنامه‌ای روحانی و فریضه‌ای الهی است که مقصود آن قرب الی‌... است. برای اطمینان از رسیدن به این مقصود، «تعقیبات نماز» مطرح می‌شود که جزء مستحبات بوده و توصیه شده است.

سازماندهی

سازماندهی که جزء اصول اساسی در مدیریت به حساب می‌آید، عبارت است از: «گروه‌بندی فعالیتهایی که برای نیل به هدفها لازم است و تعیین سلسله مراتب نیروهای انسانی در هر گروه از فعالیتها.»^(۹) با سازماندهی، تقسیم کار و ارتباط بخشی نیروها به سمت هدفهای واحد تحقق می‌یابد. مفاهیم اصلی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارت انداز: تقسیم کار، وحدت فرمان و وحدت هدایت، زنجیر فرمان، سلسله مراتب، حیطه نظارت، سازمان رسمی و غیررسمی و مانند آن، در ارتباط با «سازماندهی» در نماز، ذکر چند نکته ضروری است.

۱- **تقسیم کار**، در سازمانهای تولیدکننده کالا و خدمت، تقسیم کار برای افزایش تولید مورد توجه قرار می‌گیرد، در واقع تقسیم کار، که خود مبتنی بر شناخت قبلی نیروها است، براساس شایستگیها و صلاحیتها صورت

نماز می‌شتابند، مقدمات نماز را به ترتیب خاصی به جا می‌آورند، و به شکلی وحدت یافته نماز را بر پا می‌دارند برخی از مصادیق عالی هماهنگی در نماز عبارت است از:

۱- **قرائت** . همه مؤمنین، در هر کجای دنیا و با هر نژاد و زبانی، نماز را با زبان واحدی به جا می‌آورند، ضمن آنکه بسیاری از اذکاری که طی برپایی نماز قرائت می‌شود نیز یکسان است.

۲- **وحدت هدف** . مقصود همه نمازگزاران، تحکیم اعتقاد به کلمه‌الله، تقرب به الله و انجام تکلیف عبادی است.

۳- **وحدت جهت** . همه نمازگزاران رو به یک سو نماز می‌خوانند.

۴- **وحدت عملیات** . نمازگزاران در پیروی از ارکان نماز فعالیت‌های یکسان را انجام می‌دهند.

۵- **ظاهر متحدالشکل** . برای مثال مستحب است که نمازگزار با لباس سفید و معطر و با به دست کردن انگشتری عقیق نماز بخواند. رعایت این نکات به هماهنگی و وحدت، وجه بیرونی بسیار مناسبی می‌بخشد.

۶- **نماز جماعت** . بارزترین مصداق هماهنگی است. دهها، صدها یا هزارها مؤمن، در صف‌های به هم پیوسته، یکرنگی، همراهی و وحدت خود را به نمایش می‌گذارند. هیچ‌گونه تفرقه‌ای بین عملکردها مشاهده نمی‌شود. همه باهم رو به درگاه احدیت آورده‌اند و رمز موفقیت را عینیت بخشیده‌اند.

کنترل

کنترل «فرایندی است که از طریق تطابق عملیات انجام شده با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده، صورت می‌پذیرد.»^(۱۰) به عبارت ساده‌تر، کنترل مراقبت از حسن انجام امور است. بدون وجود کنترل ممکن است همه عوامل دست‌اندر کار در حال پیشرفت، اما در مسیر غلط یا رو به سوی پرتگاه باشند: عمرها تلف و منابع مصرف

چنانکه در سوره حمد و در هر نماز، دو مرتبه از او طلب می‌کنیم که «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

معنی دوم. وحدت هدایت، در عمل با نمازگزاردن به یک سمت مشخص تحقق پیدا می‌کند و آن وقتی است که مسلمین نماز خود را به سوی «قبله» یعنی خاستگاه و پایگاه نخستین توحید به جای آورند.

۲- **قوانین و مقررات**، احکام صریحی که باید و نباید رفتارهای اجتماعی را تعیین می‌کند، مقررات نامیده می‌شود، مقررات عاملی برای تثبیت سازمان به حساب می‌آید. قوانین نماز، با عنوان «احکام نماز» شناخته می‌شوند. در خود قوانین طبقه‌بندی‌هایی به چشم می‌خورد. مهمترین آنها مقرراتی است که عدول از آنها به هیچ وجه قابل اغماض نیست، مانند «واجبات نماز» و پاره‌ای از آنها چنانچه به جا آورده شود، مناسبتر است، مانند «مستحبات نماز» و تعدادی که پرهیز از آنها مناسبتر است مثل «مکروهات نماز». در قالب مقررات انعطاف‌های واقع بینانه‌ای مشاهده می‌شود، مانند تفاوت‌هایی که در احکام نماز مربوط به زن و مرد، مسافر و حاضر، سالم و بیمار وجود دارد.

۵- **سلسله مراتب**، علی‌رغم اینکه نماز برنامه‌ای عبادی و روحانی است، ولی چون نماز جماعت اهداف اجتماعی و سیاسی را نیز دربر می‌گیرد، می‌توان برای آن سلسله مراتبی را در نظر گرفت، مهمتر از همه تبعیت و اطاعت مأمومین از امام جماعت است.

هماهنگی

هماهنگی در مدیریت یعنی: وحدت بخشیدن به عملکرد نیروها در مسیر هدف‌های سازمان، این وظیفه به شکلهای مختلف و در قالب برنامه یا اجرا باید مراعات شود.

هماهنگی در نماز، در متعالیترین وجه خود تجلی یافته است. همه مؤمنان با شنیدن صدای اذان، به سوی

راست هدایت کند.

در نماز صبح کنترل مقدماتی صورت می‌گیرد، نماز ظهر و عصر به عنوان کنترل ضمنی از اعمال انسان در طول روز مراقبت می‌کند و نماز مغرب و عشا که باید انسان را به اندیشه روز جزا و اعمال روزانه هدایت کند، نمونه‌ای از کنترل نهایی به حساب می‌آید.^(۱۱) همواره در سازمانها، به اهرمی نیاز هست که کارکرد اعضا را مورد بررسی و نظارت قرار دهد، تا سازمان در نتیجه اشتباهات کوچکی که روی هم انباشته می‌شود دچار خسارتهای بزرگ نشود.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

(سوره عنکبوت، آیه ۴۵)

به این ترتیب نماز تبدیل به اهرمی می‌شود که در دوره حیات انسان، از زمانی که به حد تکلیف می‌رسد، از او مراقبت می‌کند، امتحانی است که می‌دهد و با آن تمرین وظیفه‌شناسی می‌کند و اولین کسی که از منابع بی‌پایان آن بهره‌مند می‌شود، خود اوست.

می‌گردد، اما نتیجه‌ای به دست نمی‌آید. در یک دید کلی، نماز عامل کنترلی برای انسان است تا مطمئن باشد که به سوی پرتگاه یا ضلالت حرکت نمی‌کند. انسان در معرض آلودگیهای مختلف نفسانی است، در این شرایط، در حال دور شدن از صراط مستقیم و طریق رستگاری و نجات است، یا به عبارت مدیریتی، در حال خارج شدن از مسیر تحقق هدفهای سازمانی است.

قادر متعال نماز را به عنوان تذکر یا یادآوری خطاب می‌کند و در آیه ۱۱۴ سوره هود می‌فرماید:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلَّذِي لَدَّا كَرِين.

و به پای دار نماز را در دو سوی روز و پاره‌هایی از شب، همانا خوبیها، بدیها را می‌برند، این است یادآوری یادآرندگان.

نماز تذکری است که مؤمنان با آن بیدار می‌شوند و به اصلاح مداوم خود همت می‌گذارند. و برای موفقیت بیشتر از قادر متعال استمداد می‌جویند تا آنها را به راه

پی‌نوشتها

۱. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، ج ۴۴، ص ۵۲.
۲. علاقه‌بند، علی. مدیریت آموزشی، ج ۳، بعثت، ۱۳۷۱، ص ۳۵.
۳. کلیه نقل قولهای مستقیم فاقد شماره ارجاع، از منبع زیر استفاده شده است:
۴. اقتباس از علاقه‌بند، علی. همان، ص ۹-۳۸.
۵. فهری، احمد. پرواز در ملکوت، آداب الصلوه، ج ۱، انتشارات نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹، ص ۱۰.
۶. لا تَوْخُونَ الصَّلَاةَ أَوَّلَ وَقْتِهَا، البحار، ج ۴۹، روایت ۴۹، باب ۳.
۷. البته هنگام وضو نیز ذکر ادعیه توصیه می‌شود که جزو مستحبات آن است.
۸. به نقل از امام خمینی (ره) همان، ص ۸۴.
۹. بافورد، جیمز. مدیریت در ترویج، ترجمه محمد چیدری، معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی جهاد سازندگی، ۱۳۷۳، ص ۵۳.
۱۰. رضاییان، علی. اصول مدیریت، سمت، ۱۳۶۹، ص ۲۳۸.
۱۱. انواع کنترل، اقتباس شده است از: ایران نژاد پاریزی، مهدی و ساسان گهر، پرویز. سازمان و مدیریت: از تئوری تا عمل، مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۳. ص ۸-۴۷۵.